

نعمت‌الله زاده تولیدکننده نمونه پسته در گفت‌وگو با استقامت مطرح کرد:

کشت پسته در شرایط فعلی نباید توسعه پیدا کند

چالش کشاورزی بی‌برقی و بی‌برنامه‌گی دولت است ❁ برخی صادرکننده‌ها باعث بدنامی پسته ایران شدند

پیشینه ۱۵۰ سال پسته‌کاری را پشت سر داریم ❁ آمریکایی‌ها صنعت پسته را از ما یاد گرفتند

مهندس و طراح و مشاور می‌گیریم که بگویند سرمایه‌گذاری‌ای که شده اشتباه است. گاهی به اجرا هم می‌رسیم و هزینه می‌کنیم ولی نظارت نداریم. دولت اصول مدیریتی را اجرا نمی‌کند؛ یا آگاه نیست و یا اگر هست برایش اهمیتی ندارد. پول به مردم می‌دهد و پیشنهاد و توصیه به کشت محصول هم می‌کند، ولی خود دولت به هیچ عنوان طرح‌های الگویی را اجرا نمی‌کند و نظارت هم بر اجرای این طرح‌ها ندارد. در نتیجه، اگر کسی بگوید این توصیه‌های دولت را قبول ندارم و راه خودم را می‌روم و آب و خاک و منابع آینده را مصرف و تخریب کند، دولت جلوی او را نمی‌گیرد. در واقع دولت مسائل دیگر را به مسائل تولید ترجیح می‌دهد. بنابراین، این‌طور جمع‌بندی کنم که شاید دولت در برخی مناطق مصوبه و پیشنهادی برای کشت محصول خاصی ارائه کند، ولی این بخش از کار که طرح‌های الگویی اجرا شود و بر آن نظارت شود را انجام نمی‌دهد. فرهنگ ما مردم ایران هم متأسفانه ترجیح نفع شخصی بر عمومی شده، و همه این عوامل دست به دست هم داده و وضعیت را پیچیده‌تر کرده است.

به جز بخش تولید که به چالش‌های آن

اشاره کردید، صادرات پسته چه موانع و

مشکلاتی دارد؟

همه می‌دانیم که تولید یک سوم از کار کشاورزی است، بخش دوم کشاورزی، فرآوری است که بسیار اهمیت دارد. از پیشنهادات همیشگی من این بوده که هرجا سیب‌زمینی کشت شد، در کنار آن کارخانه تولید چیپس ایجاد شود. هرجا پیاز کشت می‌شود کارخانه پیازخشک‌کن در کنار آن ایجاد شود. این واحدهای کوچک فرآوری در کنار واحدهای تولید می‌تواند بسیاری از مسائل کنونی را حل کند. یا وجود شرکت‌های مکانیزه و مشاوره‌ای که از دیگر حلقه‌های بین زنجیره تولید و فروش است ضروری است. متأسفانه در کشور ما به جای اینکه تولید در واحد سطح را بالا ببرند مدام بخش کشاورزی را توسعه می‌دهند. حتی در استانی مثل کرمان که سطح زیرکشت بالایی دارد در برخی از شهرستان‌ها شرکت‌های مکانیزه و مشاوره‌ای وجود ندارد. ما در بسیاری از مناطق ایران، شرکت‌هایی نداریم که در طول داشت محصول در کنار کشاورز باشند، اما در آمریکا این شرکت‌ها وجود دارد؛ شرکت پارامونت در آمریکا از هر کشاورزی درصدی پسته می‌گیرد و در طول سال به او مشاوره می‌دهد. این هم به نفع کشاورز است و هم کشاورزی کشورشان. قدم بعدی فروش است. اوایل دهه هشتاد یکی از مسئولان وزارت جهاد کشاورزی به سروستان آمد و گفت که چرا پسته تولید می‌کنید؟! من گفتم که دنیا هنوز پسته ایران را کامل نمی‌شناسد و بازارهای زیادی وجود دارد که پسته به آن صادر نشده است. از روسیه و چین و هند نام بردم که هنوز پسته را نمی‌شناختند. آن زمان پسته ایران فقط به اروپا و آمریکا صادر می‌شد. این اظهارنظرها که به مسئولان منتقل می‌شد سرانجام منجر به این شد که طرح طوبی را تصویب کردند و در راستای اجرای آن، برای هر هکتار باغ پسته، شش میلیون تومان وام می‌دادند و باغ‌ریزی رواج پیدا کرد و در سال‌های ۹۱ و ۹۲ دیدیم که خیلی از مناطق کشور زیر کشت پسته رفته است. از همان زمان بود که من با هریک از دست‌اندرکاران و مسئولان که صحبت می‌کردم، تاکید می‌نمودم که توسعه را متوقف کنید و افزایش تولید در واحد سطح را مورد توجه قرار دهید. در حوزه فروش باید این را بپذیریم که صادرات پسته کار هرکسی نیست، من خودم تقریباً از سال ۶۵ تا ۷۲ صادرات به دبی و آلمان انجام می‌دادم اما به این نتیجه رسیدم این کار من نیست. هر فرد نمی‌تواند همه کارها را خودش انجام دهد. هرکسی ظرفیتی دارد و باید در حد توان خودش کاری بکند. در توان

می‌شوند. یا برای حل مشکل آب، روش‌های آبیاری مکانیزه در دنیا نیم قرن است که در حال استفاده است یا دستگاه‌هایی وجود دارد که می‌تواند اعلام کند در ۲۴ ساعت آینده سرما هست یا نه؟ در یک هفته آینده آفت داریم یا نه؟ سرما برای گیاه تامین شده و اگر نشده از چه روغن‌هایی استفاده شود که درخت را بیدار کند. چالش‌های طبیعی را با دانش و تکنولوژی روز دنیا می‌توان برطرف کرد. برخی از کشاورزان دارند از این روش‌ها استفاده می‌کنند و با شرایط جدید سازگار شده‌اند. بنابراین، چالش ما قوانین طبیعت اعم از خشکسالی و تغییر اقلیم و کم‌بارشی و نیست، بلکه یکی از چالش‌های ما قوانینی است که از سوی دولت‌ها مصوب می‌شود و اجرا نمی‌شود یا نیاز است اما اساساً مصوب نمی‌شود. الان می‌گویند با انرژی خورشیدی چاه‌های کشاورزی را برقی کنید، این در حالی است که مشکل ما اکنون آفت شدید سطح آب‌های زیرزمینی است و نباید آب را بیش از این از چاه‌ها بیرون بکشیم. حتی حاضریم در ۲۴ ساعت، هشت ساعت برق نباشد که آب را ذخیره کنیم ولی می‌گویند پمپ خورشیدی نصب کنید و ۲۴ ساعته آب را از چاه خارج کنید، آن هم وقتی که آب نیست! این راهکارها اشتباه است. راهکار درست این است که دولت به کشاورزان بگوید در ۲۴ ساعت دقیقاً چه ساعتی خاموشی دارند و آن را به‌طور دقیق اجرا کند که از لحاظ تغذیه باغات اشتباه نکنیم؛ مثلاً بدانیم چه ساعتی آب داریم که کود به باغ بدهیم. بی‌برقی و بی‌برنامه‌گی دولت اما باعث می‌شود فرایند تغذیه باغات هم صدمه ببیند. اینکه می‌گویند برق را خودتان تولید کنید و آب را بیرون بکشید؛ من شخصاً این کار را نکردم و نخواهم کرد چون اشتباه است. با این اقدام، آبی در زیر زمین باقی نخواهد ماند. چالش دیگر این است که دولت به کشاورز نمی‌گوید استعداد هر منطقه چیست و چه محصولی تولید بشود یا نشود. مثلاً در منطقه کردستان شاید تولید فندق یا گردو خیلی بهتر از پسته باشد. این را دولت باید با اندازه‌گیری دمای سالانه و ثبت آن و بررسی کارشناسی اطلاعات و داده‌های هواشناسی، برای کشاورزان مشخص کند.

تعیین الگوی کشت که به آن اشاره

می‌کنید بعضاً با مخالفت کشاورزانی مواجه می‌شود که خودشان تجربه تاریخی دارند.

بارها دولت درباره کشت‌های مختلف

توصیه‌هایی داشته، ولی مورد قبول واقع نمی‌شود!

اتفاقاً چالش سومی که قصد دارم بیان کنم در پاسخ به همین موضوع است که اشاره کردید و آن تغییر فرهنگ جامعه است. ما در ایران فرهنگی داریم که به آن افتخار می‌کنیم ولی چندین سال است که اغلب افراد جامعه نفع شخصی را به نفع عمومی ترجیح می‌دهند و فقط می‌خواهند خودشان را ثروتمند کنند. انتظارات زیادی ایجاد شده و این، مردم را به سمتی برده که اقتصاد خود را توسعه دهند تا به این انتظارات پاسخ داده شود. در حال حاضر، زندگی‌ها خیلی گسترده شده و مردم مدام به دنبال توسعه اقتصادی شخصی هستند. می‌خواهند دو، سه ساله پولدار شوند و هر مقدار آب هست را بالا بیاورند که محصول بیش‌تری تولید کنند و این دیدگاه حاکم نیست که این منابع و این کشور مربوط به نسل‌های آینده هم هست.

دولت نمی‌تواند با تعریف قوانینی مانع از

این زیاده‌خواهی‌ها بشود؟

دقیقاً نکته همین است. دولت پیشنهاد می‌دهد و مصوب می‌کند اما اجرا نمی‌کند. در مدیریت پنج اصل داریم؛ جمع‌آوری اطلاعات، طراحی، سرمایه‌گذاری، اجرا و نظارت. در ایران معمولاً جمع‌آوری اطلاعات را هم انجام نمی‌دهیم و سرمایه‌گذاری می‌کنیم، بعد می‌بینیم سرمایه‌گذاری اشتباه است،

در خراسان رضوی، کشاورزی رشد فزاینده‌ای داشت. در آن جلسه به دست‌اندرکاران و فعالان کشاورزی گفتم که شما دوایراد بزرگ دارید؛ یکی اینکه آب و خاک خوبی دارید و دیگر اینکه نیروی انسانی فعالی دارید، و چون نمی‌توانید این دو را کنترل کنید در آینده دچار توسعه بخش کشاورزی خواهید شد و مشکل آب و خاک پیدا می‌کنید. بهترین کاری که می‌توانید بکنید این است که بخش کشاورزی را کنترل کنید.

در استان فارس هم هر زمان جلسه‌ای با مقامات داشتیم گفتم که با توسعه بخش کشاورزی دارید اشتغال کاذب ایجاد می‌کنید و در آینده، نه زراعت خواهید داشت و نه باغ. پرسیدند چه بکنیم؟ همان راهکارهای مرسوم را دادیم؛ ایجاد واحدهای فرآوری محصولات کشاورزی و شرکت‌های مکانیزه بخش کشاورزی و امثالهم. در یکی از جلسات یکی از مسئولان استان فارس در پاسخ به این دغدغه‌هایم گفت که شما مسائل را نمی‌دانید! بعد از این هم هرجا که فرصتی دست می‌داد نسبت به توسعه کشاورزی هشدار می‌دادم تا اینکه تازه سال گذشته به این نتیجه رسیدند که توسعه بخش کشاورزی اشتباه است.

در حال حاضر در بیش از ۲۰ استان کشور کشت پسته انجام می‌شود. به نظر شما نباید بررسی صورت بگیرد که لااقل مناطقی که دارای مزیت و توانایی خاص برای چنین تولیداتی هستند به‌صورت برنامه‌ریزی شده، کشت را انجام دهند و کل کشور درگیر چنین محصولی که ممکن است آینده نداشته

باشد نشود؟

سال ۸۶ یا ۸۷ بود که وزیر وقت جهاد کشاورزی برای کشت محوری گندم به فارس سفر کرد. جلسه‌ای با ایشان داشتیم و آنجا گفتم که هر منطقه‌ای یک استعدادی دارد و توسعه کشت گندم در فارس تصمیم درستی نیست. منطقه‌ای مثل سروستان بهتر است فقط پسته تولید کند و در مناطقی مثل مرودشت گندم کشت شود. در کل کشور برخی مناطق آب و خاک خوبی دارند و مردم چون آموزش نگذیدند و دانش ندارند به کشت‌هایی روی می‌آورند که مناسب نیست و بعد از هفت، هشت سال متوجه اشتباه خود می‌شوند. باغات پسته ما اعتبار خیلی خوبی در دنیا دارد و همین موجب شده که همه فکر کنند کشت پسته سودآور است. از طرفی، هیچ آموزش و قانون اجتماعی یا نیست یا اگر هست اجرا نمی‌شود و مردم راهنمایی نمی‌شوند که مثلاً منطقه‌ای که هوای سرد دارد ولی هوای گرم ندارد مناسب این محصول نیست و الان در ۲۰ استان کشور و حتی در کردستان و کرمانشاه و آذربایجان پسته کاشته می‌شود. شاید موفق بشوند شاید نه، چیزی که مشخص است اینکه متأسفانه در کشت پسته چندان دانش و تکنولوژی روز استفاده نمی‌شود.

با توجه به دانش و تجربه‌ای که در این چند دهه در حوزه کشاورزی دارید، لطفاً از چالش‌ها و بحران‌های کنونی در بخش تولید بگویید.

به نظر من امروزه چالش بخش کشاورزی ما آب نیست، خشکسالی هم نیست. در طول گذر زمان هر ۴۰ یا ۵۰ سال یک بار خشکسالی و کم‌بارشی شدید اتفاق می‌افتاده یا سرمای بی‌هنگام و گرمای زودرس داشته‌ایم. این قانون طبیعت است و چالش نیست. در گذشته با این قانون طبیعت متضرر می‌شدند ولی الان با دانش و تکنولوژی روز دنیا می‌توانیم با چالش‌های طبیعی مقابله یا مماشات کنیم. محصول پسته در کشور ما از اتفاقاتی مانند گرمای زودرس و سرمای دیررس خسارت می‌بیند در حالی که در دنیا راه‌هایی وجود دارد که مانع از بروز خسارت به محصولات کشاورزی در پی این رویدادهای طبیعی



محمد لطیف‌کار

در استان فارس مستعد کاشت پسته است.

چه آیت‌هایی را بررسی می‌کردید؟

مهم‌ترین عاملی که برای کشت پسته موثر یاقتیم وضعیت آب‌وهوایی است. هر درختی را هرجا بکارید بالاخره سبز می‌شود، ولی این که چه محصولی تولید شود و به ثمردهی خوب برسد ارتباط مستقیم با دمای هوا دارد. در رده‌های بعدی آب و خاک از جمله آیت‌های مهم است. در جریان بررسی‌ها مشخص شد که برخی مناطق استان فارس هوای مناسبی برای ثمردهی باغ پسته دارد. بعد از این، مواردی از جمله آب و خاک و کارگر و مسائل اقتصادی را در نظر گرفتیم و در نهایت سروستان استان فارس را انتخاب کردیم و در سال ۷۰ در دو باغ ۴۰ هکتاری، کشت پسته در این منطقه را شروع کردیم.

پیش از شما، در این منطقه سابقه کشت پسته وجود داشت؟

بله، ولی به صورت سنتی انجام می‌شد. درختان این منطقه را که بررسی کردیم دیدیم محصول خوبی می‌دهد و همین به ما کمک کرد که «سروستان» را انتخاب کنیم. در ادامه یکی از این دو باغ ۴۰ هکتاری را واگذار کردیم و ۴۰ هکتار دیگر را توسعه دادیم که در حال حاضر به ۵۰ هکتار رسیده است. طی سال‌های ۷۷ تا ۷۹ یک کی از دوستان و با استفاده از تکنولوژی روز دنیا که متعلق به آمریکا بود از مسیر کانادا و دبی، یک ایستگاه هواشناسی را وارد ایران کردیم. برای اولین بار در خاورمیانه این سیستم در باغ ما نصب شد که تمام آیت‌های آب‌وهوا را نشان می‌داد؛ از دمای هوا و سرمای زمستان و گرمای تابستان گرفته تا شدت باران و میزان رطوبت و پیش‌بینی آفت را از این دستگاه می‌گرفتیم. سال ۸۰ این سیستم مورد توجه سازمان جهاد کشاورزی استان فارس قرار گرفت و از سال‌های ۸۰ تا ۹۵ که هنوز چنین تکنولوژی‌ای در ایران وجود نداشت، اطلاعات مورد نیاز را از این دستگاه می‌گرفتند و برای پرداخت بیمه جهاد کشاورزی به‌کار می‌بردند.

توسعه باغ ۴۰ هکتاری را چطور دنبال کردید؟

بنده ۱۲ سال پیاپی از سال ۸۰ تا ۹۲ به‌عنوان تولیدکننده برتر استان فارس و سال ۸۵ به‌عنوان تولیدکننده برتر کشور انتخاب شدم. تا سال ۹۰ بیش‌ترین توسعه باغات پسته را در سطح استان فارس انجام دادم، اما از آن به بعد با توسعه بخش کشاورزی مخالفت می‌کردم و هرجا می‌رفتم نظرم این بود که به‌جای توسعه‌ای که آینده آب و خاک را در نظر نمی‌گیرد بهتر است سراغ فعالیت‌های دیگری از جمله فرآوری محصولات کشاورزی یا شرکت‌های مکانیزه کشاورزی و کارهای مشاوره‌ای برویم، ولی کسی به این نظرات توجه نمی‌کرد.

اینکه با توسعه بخش کشاورزی مخالفت کردید مربوط به همان منطقه استان فارس بود یا برای کل ایران معتقد بودید کشاورزی نباید بیش از این توسعه پیدا کند؟

در سال ۹۳ جلسه‌ای از طریق انجمن پسته کرمان در مشهد داشتیم. در آن مقطع زمانی

با این که پسته ایران، بالاترین درآمد ارزی را برای کشور دارد، اما آن‌طور که شایسته و نیاز تولید و تجارت این محصول است نهادهای دولتی به آن توجه نمی‌کنند، و غالباً با تصمیم‌های خلق‌الساعه آینده این محصول را به خطر می‌اندازند. این در حالی است که در دهه‌های اخیر، فعالان این صنعت علاوه بر آگاهی از پیشینه تاریخی پسته، با بهره‌گیری از دانش و تکنولوژی روز، سعی دارند بر موانع و چالش‌های موجود فائق آیند.

سید جلال‌الدین نعمت‌الله‌زاده یکی از همین فعالان اقتصادی و به‌ویژه تولید پسته است که عمر خود را صرف بهبود فضای تولید کرده است. او که از صد سال پیشینه و تجربیات خانوادگی در تولید و تجارت پسته در استان کرمان برخوردار است، اوایل دهه شصت از رفسنجان به استان فارس مهاجرت می‌کند، و با بررسی‌های علمی که در برخی مناطق آنجا و به‌ویژه سروستان انجام می‌دهد، اقدام به تولید این محصول می‌کند، که نهایتاً در این زمینه یک تولیدکننده‌ی نمونه، سال‌ها با افتخار در این منطقه مشغول فعالیت می‌شود.

نعمت‌الله‌زاده چون از خانواده‌ای فرهنگی برخاسته است، و مرحوم پدر ایشان از روزنامه‌نگاران پیشکسوت استان کرمان بوده‌اند، طبیعتاً به حوزه‌های فرهنگی کارش اهمیت بیشتری می‌دهد و در ارزیابی خود از مسائل تولید و تجارت پسته در ایران، به عوامل فرهنگی و اجتماعی این فعالیت اقتصادی توجه شایانی دارد.

برای بررسی مسائل و چالش‌های صنعت پسته و آگاهی از تجربیات و روش‌هایی که در موفقیت‌های او تأثیرگذار بوده، گفت‌وگویی انجام دادیم که در ادامه می‌خوانید.

آقای نعمت‌الله‌زاده از سابقه ورودتان به بخش کشاورزی و به‌ویژه پسته‌کاری بگویید و اینکه چه تجربه‌ها و فعالیت‌هایی در حوزه تولید و صادرات پسته دارید؟

من فارغ‌التحصیل رشته مدیریت بازرگانی در سال ۵۸ از دانشگاه باهنر کرمان هستم. در سال ۶۰ به واسطه ازدواج به شیراز مهاجرت کردم. تا سال ۶۷ به دنبال کارخانه‌داری و تجارت و صادرات به خارج از کشور بودم و خلال همین فعالیت‌ها در سال ۶۴ بود که برای اولین بار ۲۰ هکتار باغ پسته را در جهرم استان فارس ایجاد کردم. با اطلاعات ناقص و دانش کمی که در حوزه کشاورزی داشتم موفق نبودم. از آن‌جایی که خانواده‌ام در رفسنجان در صنعت پسته فعال بودند، فکر می‌کردم شاید من هم بتوانم در این زمینه موفق شوم که در اولین تجربه، این‌طور نشد. با پایان جنگ تحمیلی عراق، تصمیم جدی گرفتم که برای فعالیت اقتصادی و سرمایه‌گذاری مطمئن راهی را پیدا کنم و به این نتیجه رسیدم بهترین فعالیت، کشاورزی و باغ‌ریزی پسته است که تجربه خانوادگی هم در این حوزه داشتم. از سال ۶۷ تا ۷۹ با همکاری مرکز تحقیقات کشاورزی دانشگاه شیراز و دانشگاه کرمان بررسی کردیم که چه مناطقی